

مطالعه تطبیقی کاربرد استراتژی‌های ترجمه نیومارک در ترجمه قرآن

مرضیه خلیلی زاده گنجعلیخانی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۱۳

آناهیتا امیرشجاعی**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۱۶

چکیده

قرآن در مقام نخست و بسیار فراتر از عالی‌ترین آثار کلاسیک عربی است. یک شاهکار ادبی از حس بی‌نظیر. اگرچه طی قرون اخیر سیر صعودی ترجمه قرآن کریم به زبان انگلیسی از جهات کمی و کیفی را شاهد بوده‌ایم، اما از آنجائی که ترجمه‌ها صرفاً به نثر بوده و نیز با محدودیت‌های خاص آن زبان طبعاً قادر به انعکاس جنبه هنری ادبی و شکوه فصاحت و بلاغت خاص قرآن مجیدی که بین شعر و نثر واقع شده نگردیده‌اند. ترجمه قرآن کریم همواره موضوع چالش برانگیزی از ابتدای پیدایش آن تا کنون بوده است. مطالعه حاضر به مقایسه سه ترجمه موجود از سه سوره قرآن (اخلاص، ناس، فلق) با ترجمه محمد علی حبیب شاکر، عبدالله یوسف علی و پیکتال به منظور بررسی استراتژی‌های ترجمه بر اساس طبقه بندی پیتر نیومارک (۱۹۸۱) پرداخته است تا بیش‌ترین استراتژی یا استراتژی‌های بکاررفته در امر ترجمه و موفق‌ترین آن‌ها در انتقال معنا و مفهوم صحیح و درست کلام مقدس الهی مشخص گردد.

کلیدواژگان: پیتر نیومارک، ترجمه، ساختار قرآنی، ویژگی‌های گفتمانی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

marziyehkhali.lizade@bam.ac.ir

* مربی، مترجمی زبان انگلیسی، عضو هیأت علمی مجتمع آموزش عالی بم.

amirshojaiana@bam.ac.ir

** مربی، مترجمی زبان انگلیسی، عضو هیأت علمی مجتمع آموزش عالی بم.

نویسنده مسئول: آناهیتا امیرشجاعی

مقدمه

قرآن کتابی است با پیام جهانی برای همه بشریت (للعالمین) و این مهم در آیات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته، چنانکه فرمود: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان / ۱).

اهمیت ترجمه قرآن به صراحت در این آیه دیده می‌شود و قطعاً برای رساندن این پیام الهی به گوش جهانیان، لزوم برگرداندن قرآن به زبان‌های غیر عربی کاملاً دیده می‌شود. قرآن کریم ابتدا انسان را در قلمرو خیال و احساس و اندیشه‌های درونی به سوی زیباترین‌ها هدایت می‌کند، چراکه آنچه استوارترین است، باد زیباترین هم باشد. این کتاب مقدس از لحاظ زیباشناسی، بلاغت، فصاحت و آهنگین بودن بی‌نظیر است، لذا سنگینی انتقال چنین معیار مهمی بر دوش مترجمان خواهد بود. نخستین محور زیباشناسی، نظم قرآن بود که /براهیم بن سیار معروف به نظام (م ۲۲۴) مطرح کرد. وی مسأله فصاحت و بلاغت عرب را می‌شناخت و از ادیبان عصر خود بود و می‌دانست که عرب در نظم و نثر چیرگی دارد. برای نظام، این پرسش مطرح شد که چگونه عرب نتوانست همانند قرآن بیاورد، او نظریه اعجاز صرفه را مطرح کرد، تا نشان دهد که با همه چندگانگی و پاشانی بودن قرآن، از نظم و اعجاز ویژه‌ای برخوردار است و به این کتاب زیبایی مخصوص و منحصر به فرد بخشیده است. *جاحظ* (م ۲۵۵) شاگرد وی نیز کار استاد خود را دنبال کرد، هرچند که او دیدگاه استادش درباره صرف را نمی‌پذیرفت، اما او کتاب «نظم القرآن» را به همین جهت نگاشت تا یادآوری کند که برجستگی و ویژگی قرآن به عامل بیرونی و صرفه بازمی‌گردد و خود این کتاب دارای نظم بی‌مانند است (زرکشی، البرهان، ج ۲: ۹۳). مشهورترین و قدیمی‌ترین ترجمه منظوم قرآن به نام «قرآن تامه» متعلق به /مید مجد است، این ترجمه شامل هجده هزار بیت و در قالب مثنوی در طول ۳۰۰ روز سروده شده است. طبق آخرین آمار رسمی که کتاب‌شناسی جهانی منتشر کرده است تعداد ترجمه‌های قرآن به انگلیسی تا سال ۱۹۸۰ میلادی ۲۹۵ مورد و ترجمه‌های غیرکامل ۱۳۱ مورد است (اسعدی، ۱۳۶۵: ۴۹).

نخستین ترجمه انگلیسی غیرکامل قرآن در سال ۱۵۱۵ میلادی منتشر شد. نخستین ترجمه کامل قرآن به زبان انگلیسی توسط /*کساندر راس* اسکاتلندی انجام گرفت. این

ترجمه از روی ترجمه فرانسوی به عمل آمده بود و در سال ۱۶۴۹ انتشار یافت. ولی آبروی قرآن‌شناس و اسلام‌شناس و صاحب یکی از بهترین ترجمه‌های قرآن مجید به زبان انگلیسی است. معروف‌ترین و معتبرترین ترجمه‌های انگلیسی قرآن عبارت‌اند از:

۱. ترجمه جورج سیل (این ترجمه تا سال ۱۹۸۰ میلادی ۱۰۵ بار به چاپ رسید)

۲. ترجمه رادول (این ترجمه تا سال ۱۹۸۰، ۳۲ بار تجدید چاپ شد)

۳. ترجمه پالمرا (این ترجمه تا سال ۱۹۸۰، ۱۵ بار تجدید چاپ گردید)

۴. ترجمه پیکتال (این ترجمه تا سال ۱۹۸۰، ۲۴ بار چاپ شد)

۵. ترجمه ن.ج. داوود (بعدها بارها توسط انتشارات پنگوئن به چاپ رسید)

۶. ترجمه آبروی (که بارها در اروپا و ایران تجدید چاپ شده است)

محمد مارمادوک، روبرت روتنسی، محمد حبیب شاکر، عبدالله یوسف علی، لاله بختیار، سید علیقلی قرایی، محمد سرور و علی سلامی از دیگر مترجمان برجسته قرآن می‌باشند.

قرآن از همان ابتدا بدون تردید به عنوان کلام الهی پذیرفته شده است و معجزه حضرت محمد می‌باشد. متن زبان‌شناسی آن متنی جاودانه و غیرقابل تقلید و فرای توانایی انسان برای خلق حتی یک آیه مشابه آن می‌باشد. حضرت محمد در روزگاری قرآن را به همراه خود داشت که بیش‌تر مردم در نظم، نثر و فصاحت و بلاغت زبان استاد بودند. اما همه آن‌ها به این حقیقت اعتراف کردند که در سرودن و نوشتن آیاتی مشاه قرآن بسیار ناتوان می‌باشند.

قرآن از جمله متونی است که روزانه توسط میلیون‌ها مسلمان در سرتاسر دنیا خوانده می‌شود؛ حال چه به زبان عربی چه به دیگر زبان‌ها. پر واضح است که نسخه ترجمه شده قرآن، به هر زبانی، نباید به عنوان جایگزین متن اصلی قرآن در نظر گرفته شود چراکه هیچ ترجمه‌ای از قرآن هر چقدر هم با مهارت و فصیح باشد نمی‌تواند شیوایی قرآن را داشته باشد. عبارات و ساختار قرآن تنها مختص خود قرآن می‌باشند و غیرممکن است که بتوان به خلق دوباره آنچه به صورت ترجمه معادل چه به صورت ترجمه عرفانی آن پرداخت. بنابراین وجود تفاسیر و تعبیر نادرست سهوی در هر ترجمه غیر قابل اجتناب می‌باشد. در این باره سالار منافعی (۲۰۰۵) می‌گوید: «به هر مسلمانی اکیداً توصیه می‌شود

که خواندن و درک قرآن به زبان عربی را بیاموزد و نه زبانی که قرآن به آن ترجمه شده است. اما از آنجایی که این کار در بسیاری موارد کار آسانی نیست، مؤمنین می‌توانند با کمک گرفتن از مفسرین برجسته و ترجمه‌های موجود از مترجمین معروف به خواندن کلام الهی بپردازند».

مباحث نظری

برای پی بردن به دشواری‌ها در ترجمه قرآن، بخش‌های ترجمه ناپذیر آن به طور اجمالی مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. صورت یا ساختار نقش مهمی در معنای گفتمان قرآنی ایفا می‌کند. ساختار صرفی به لحاظ معنایی و نحوی حائز اهمیت است. مثلاً با استفاده از صفات خاص و یا مبتدا قراردادن‌شان به آن‌ها ارزش می‌بخشیم. به عنوان مثال در صفات "الرحمن" و "الرحیم"، همیشه "الرحمن" قبل از "الرحیم" می‌آید.
۲. ترتیب واژه‌ها نیز در پیام‌های ارتباطی قرآن نقش معنایی و بلاغی ایفا می‌کنند (موسی، ۱۹۸۸: ۶۵۵-۵۶)، که برطبق نظریه سنت جروم (اسچوارز، ۱۹۵۵: ۵۰)، فراتر از درک بشر می‌باشد. به عنوان مثال به ترجمه کاملاً تحت اللفظی این آیه توسط علی (۱۹۸۳: ۱۲۲۲) دقت کنید:

﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً﴾

[This man is my brother; he has nine and ninety ewes.]

همان‌طور که می‌بینیم مترجم جمله را به طور غیر مصطلح (nine-ninety) ترجمه کرده است و چنین ترجمه‌ای قطعاً "تأثیر معادل" یعنی تأثیری که متن مبدأ بر روی خواننده خود گذاشته است را ندارد، یا به "تعادل پویا" دست نیافته است. یوجین ناید/ "تعادل پویا" را در مقابل "تعادل صوری" مطرح می‌کند که در ذیل بدان می‌پردازیم. تفاوت‌های ترجمه را بر پایه عوامل تأثیرگذار در سه نوع اساسی ذکر می‌کند (ترجمه بر این سه اساس متفاوت است): ۱: ذات پیام؛ در برخی پیام‌ها محتوا از اهمیتی بیش‌تر برخوردار است و در برخی دیگر باید به فرم اولویت داد. ۲: هدف مؤلف و مترجم؛ اینکه بخواهند هم از محتوا و هم از فرم اطلاعات بدهند، یا بخواهند طوری متن را به خواننده بفهمانند که او تمام وجوه و اهداف پیام را دریابد، یا هدفشان الزامی باشد یعنی

نه تنها تمام پیام را به خواننده منتقل کنند بلکه اجازه هیچ‌گونه کج‌فهمی از ترجمه را هم ندهند. ۳: نوع مخاطب؛ مخاطبی که در آینده مؤثر خواهد بود هم در توانایی رمزگشایی و هم در علائق بالقوه متفاوت از بقیه خواهد بود.

وی ضمن اینکه متذکر می‌شود که در ترجمه هیچ هم‌ارز یا معادل یکسانی وجود ندارد، خاطر نشان می‌سازد کاری که یک مترجم باید به دنبالش باشد این است که به دنبال نزدیک‌ترین معادل طبیعی باشد (معادلی که در زبان مقصد استفاده‌اش عادی و طبیعی است). در اینجا او دو گرایش در ترجمه را ذکر می‌کند که بر پایه دو نوع معادل مختلف است: هم‌ارزی یا تعادل صوری (Formal Equivalence) و تعادل پویا (Dynamic Equivalence).

تعادل صوری هم در فرم و هم در محتوا بر خود پیام تمرکز می‌کند. پس چنین ترجمه‌هایی به ترجمه شعر به شعر، جمله به جمله و مفهوم به مفهوم مربوط‌اند. چنین گرایش قراردادی که این نوع معادل ساختاری را متمایز می‌کند "Gloss Translation" نامیده می‌شود که در آن مترجم سعی می‌کند تا حد ممکن واژه به واژه و با معنی نزدیک به فرم و محتوای متن اصلی ترجمه کند.

بنابراین قواعد حکم‌فرما بر این نوع ترجمه عبارت‌اند از باز ساخت واحدهای دستوری، هماهنگی در استفاده واژگان، و معنا با توجه به متن مبدأ.

از سوی دیگر تعادل پویا هدفش "کاملاً طبیعی بودن" بیان است. رابطه بین دریافت کننده زبان مقصد و پیام اساساً باید مشابه رابطه موجود بین دریافت کننده زبان اصلی (مبدأ) و پیام باشد.

بنابراین قوانین حاکم بر ترجمه پویا عبارت‌اند از تطابق با زبان فرد دریافت کننده و فرهنگ به عنوان یک کل، و اینکه ترجمه باید مطابق متن (یا محتوا یا Context) پیام باشد که این، گزینش سبک شناسانه و مرتب کردن اجزای اصلی پیام را درگیر می‌کند.

ناید / ولارنس ونوتی ثابت کرده‌اند که مطالعات ترجمه، نظامی پیچیده‌تر از آن است که در نگاه اول به نظر می‌رسد، بدین معنی که مترجم باید به دنبال چیزی و برای خود متن باشد تا متن را خرد کرده و به محتوای درون متنی برسد و در سطح ارجاعی با ارزیابی آیتم‌های منحصر به فرد فرهنگی خاص، اصطلاحات و زبان مجاز رمزگشایی کند تا

به درکی از متن مبدأ (متن اصلی) دست یابد و شروع به ترجمه‌ای کند که نه تنها معنای واژه‌ها را در یک متن مشخص منتقل می‌کند بلکه تأثیر متن اصلی را در محدودیت‌های نظام زبانی خود مترجم بازتولید می‌کند. برای مثال، این گفته: مسیح، کسی را "ملاقات کرد". وقتی بخواهیم به زبانی ترجمه کنیم که بین "برای اولین بار ملاقات کرد"، "معمولاً ملاقات می‌کرد" و "ملاقات کرد" تفاوت قائل می‌شود، با دقت زیادی ترجمه می‌کنیم.

۳. استفاده از حرف‌نگاری در ترجمه قرآن حاصل از ترجمه ناپذیری واژگان فرهنگی و یا به عبارت دیگر عدم امکان شناساندن جهان نویسنده به خوانندگان متن ترجمه شده می‌باشد (داگوت، ۱۹۷۸: ۶۵). این امر به ویژه در خلأ مفاهیم مذهبی مثلاً واژه "عمره" [Q2:196] مشخص است. این واژه توسط بل (۱۹۳۷: ۲۷) و تورنر (۱۹۹۷: ۱۷) بدون توضیحات پانویس به "Umra" ترجمه شده و همچنین توسط علی (۱۹۸۸: ۷۷) به همراه توضیحات اضافی به کلمه نامعادل "Visitation" و توسط آربری (۱۹۸۰: ۵۴) بدون توضیحات در پانویس و نیز توسط /سد به همراه توصیفات دارای حشو مؤلفه‌های معنایی Pious Visit به همراه پانویس ترجمه شده است.

۴. ساختارهای نحوی خاص قرآن که معمولاً در هیچ ساختار عربی کلاسیک یا مدرن با آن مواجه نمی‌شویم. این مورد نوعی ترجمه ناپذیری را نشان می‌دهد. مانند:

﴿وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً﴾

[And he has created horses, mules, and donkey, for you to ride and use for show] [Q 16:8]

و/سد (۱۹۸۰: ۳۹۴)، و علی (۱۹۸۳: ۶۵۷) نیز بدون تعبیر روند توجه مخاطب اطلاعات تفسیری "درون‌متنی" درج کردند. این اطلاعات درج شده به این دلیل اضافه شدند که نشان‌دهنده فاعل "He" و فعل "Has Created" در ساختار متن اصلی وجود ندارند.

۵. رابطه معنایی - نحوی یک ویژگی اصلی از نحو قرآنی است، و در جایی اتفاق می‌افتد که معنی ساختار قرآنی از طریق عوامل نحوی مانند حروف اضافه مشخص می‌شوند. مانند:

﴿وَإِنَّا أَوْيَاكَدُّ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾

[And behold either we (who believe in Him) or you (who deny His oneness) are on the right path, or have clearly gone astray!] [Q 34:24] (Asad 1980:660).

فقدان حروف اضافه در متن مبدأ هیچ مشکلی در درک موضوع ایجاد نمی‌کند، اما در ترجمه جهت قابل فهم کردن متن کاربرد آن الزامی است.

۶. وندهای قرآنی به لحاظ معنایی حائز اهمیت هستند، به عنوان مثال "إذا" و "ان". وند "إذا" در متون قرآنی زمانی به کار می‌رود که عملی مکرراً تکرار می‌شود، با این وجود "ان" تکرار مکرر عمل را نشان نمی‌دهد:

﴿إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ... وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا﴾

[When you prepare for prayer, wash ...if you are in a state of ceremonial impurity, bathe your whole body.] [Q5:7]. (Ali 1983:242).

وند "إذا" در بخش اول جهت بیان تکرار عمل غسل برای نمازهای پنج‌گانه به کار رفته، در حالی که در بخش دوم وند "ان" برای اشاره به عمل "الجنب" (حالت ناپاکی تشریفاتی) به کار می‌رود که مکرراً اتفاق نمی‌افتد.

۷. سبک قرآنی مشکل‌ترین بخش در ترجمه قرآن است. تأثیرات سبکی دست یافتنی در ذهن نویسنده مواردی هستند که مترجم به دنبال بازیابی آن است. (تأکید دوگانه) مثلاً:

﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ﴾

[This is the true account.] [Q3:62]

وندهای "ان" و "ل" که جهت هدف ارتباطی تأکید به کار می‌روند، در متن مقصد به کار نرفتند چراکه جزء هنجارهای سبکی متن مقصد نمی‌باشند. شیوه‌های سبکی زبان مبدأ و نیز روابط معنایی آن را نمی‌توان در متن مقصد تداعی نمود.

۸. عبارات دارای بار عاطفی و غیر عاطفی قرآن عباراتی‌اند که ترجمه آن‌ها چالش برانگیز است و مترجم در ترجمه‌شان از معنای معادل و پانویس استفاده می‌کند.

پیشینه تحقیق

در پژوهش‌های صورت‌گرفته مرتبط با تحقیق حاضر، تعدادی مرتبط با بحث ترجمه می‌باشد که در این میان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

منافی (۲۰۰۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «اندیشه واهی تعادل کامل در ترجمه کلام خدا» نتیجه می‌گیرد که هیچ ترجمه‌ای از قرآن نمی‌تواند جای آن را بگیرد ولو که دقیق باشد. و این موضوعی است که اولاً مربوط می‌شود به طبیعت الهی قرآن و ثانیاً به ظاهر آنکه "با شکوه تمام آراسته شده است" و غنای عمیق درونی کلام خدا.

بهارزاده (۱۳۷۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان «ترجمه پذیری قرآن کریم»، خاطر نشان ساخته است که قرآن عبارت است از لفظی اعجازگر و ربوبی. وی معتقد است که در ترکیب "ترجمه قرآن"، کلمه "ترجمه" به "قرآن" اضافه شده است، و آیا این الفاظ ترجمه می‌توانند همان لفظ اعجازگر باشند یا خیر؟

انوشیروانی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای در مجله مطالعات ترجمه به ترجمه‌های مختلف قرآن به زبان انگلیسی پرداخته است.

پیکتال و آربری نام ترجمه‌های خود را "قرآن" گذاشته و به ترتیب "معانی قرآن مجید" و "تفسیر قرآن" نهادند.

غضنفری در دانشنامه موضوعی قرآن، دلایل جواز ترجمه را مورد نقد و بررسی قرار داده است و در پایان، دیدگاهش مبنی بر عدم امکان ترجمه قرآن، مورد ارزیابی قرار گرفته و دو پیشنهاد به عنوان چاره کار، مطرح کرده است: نخست آنکه، برای ترجمه در خصوص ترجمه قرآن کریم، معانی خاصی در نظر بگیریم و آن را بیان محتوای کلی آیات بدانیم. دوم آنکه، واژه «ترجمه» را کنار نهمیم و از واژه «تفسیر» استفاده ببریم، چه اینکه این واژه در لغت به معنای تفسیر آمده است، در این حال نیز هدف قائلین به ترجمه تأمین می‌شود.

علوی نژاد در مقاله‌اش «ترجمه پذیری قرآن و کتاب مقدس» دیدگاه شاطبی با دیدگاه‌های زبان‌شناختی مدرن به خصوص دیدگاه ناید را مورد بررسی قرار داده است.

عبد الوالی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «کژتابی‌های ترجمه قرآن به زبان انگلیسی»، بر آن است تا چالش‌های فراروی مترجمان قرآن را در سطوح واژگانی، ساختاری/سبکی و بلاغی برطرف کند. وی همچنین سعی دارد با نگاهی به بازآفرینی ترجمه‌های مناسب در شکل و محتوا، حوزه ترجمه قرآن را دوچندان پویا جلوه دهد.

شاهسوندی (۱۳۷۲) نیز در مقاله‌اش «ترجمه پذیری قرآن، میان نفی و اثبات» به ترجمه پذیری و ترجمه ناپذیری قرآن از منظر زبانی پرداخته است. امیرشجاعی، ممتحن (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «ترجمه پذیری و ترجمه ناپذیری قرآن» اذعان داشتند با توجه به اینکه ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن بسیار بیش‌تر از سایر متون است، جنبه‌های مختلف اعجاز لفظی قرآن قابل انتقال در ترجمه نیست.

روش‌شناسی

در تحقیق حاضر جهت تحلیل و بررسی ترجمه سوره‌های مذکور، استراتژی‌های ترجمه پیتر نیومارک (۸۱:۱۹۸۱) به کار رفته است. در ذیل به اختصار به هر یک از آنها پرداخته شده است:

انتقال: بکارگیری کلمه یا عبارت زبان مبدأ در زبان مقصد است. این استراتژی نوعی حرف‌نگاری می‌باشد.

بومی سازی: تطابق واژه انتقال‌یافته با ساختارهای آوا شناختی و صرفی زبان مقصد می‌باشد.

معادل فرهنگی: استفاده از واژه فرهنگی با جایگاهی یکسان و مشابه در فرهنگ مقصد می‌باشد.

معادل کاربردی: استفاده از معادلی است که کاربرد مشابهی در زبان مقصد دارد.

معادل توصیفی: به معنای توصیف واژه فرهنگی می‌باشد.

ترادف: استفاده از نزدیک‌ترین معادل را شامل می‌شود.

گرفته برداری: ترکیبی از قرض‌گیری و ترجمه تحت‌اللفظی است.

تبدیل: منظور تغییر یا جایگزینی در ساختارهای گرامری است.

مدولاسیون: تغییر نقطه نظر و یا دیدگاه مترجم است.

ترجمه مقبول: خصوصاً برای واژگانی است که قبلاً برایشان ترجمه‌ای وجود داشته

است.

ترجمه موقت: ترجمه‌ای که برای واژگان تخصصی جدید است که معمولاً در گیومه نقل می‌شود.

جبران: در این روش فقدان معنا، جلوه‌های آوایی، استعاره و یا مفاهیم کاربردی در بخشی از جملات در بخش دیگر جبران می‌شود.

تحلیل مؤلفه: شامل تفکیک واحدهای معنایی به اجزای معنایی‌شان می‌باشد.

افزایش و کاهش: به معنای افزودن کلمه یا عبارتی به متن و یا حذف برخی قسمت‌های متن است.

بازنویسی: تفسیر معنایی بخش‌هایی از متن به زبانی دیگر است.

ترکیب: استفاده از دو یا چند شیوه به طور همزمان را بیان می‌دارد.

یادداشت و پانویس: شامل اطلاعات فرهنگی تخصصی و زبان‌شناختی است که مترجم بسته به نوع متن در پایین صفحه، انتهای متن و یا انتهای کتاب می‌دهد.

داده‌های تحقیق

داده‌های تحقیق شامل سه سوره توحید، ناس، و فلق به همراه سه ترجمه انگلیسی از محمدعلی حبیب شاکر، عبدالله یوسف علی و پیکتال می‌باشد. در این بخش سوره ناس به همراه سه ترجمه به عنوان نمونه ارائه شده است.

سوره ناس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿۱﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿۲﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿۳﴾ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿۴﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿۵﴾ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿۶﴾﴾

ترجمه پیکتال:

- 1) Say, I seek refuge in the Lord of mankind,
- 2) The King of mankind,
- 3) The god of mankind,
- 4) From the evil of the sneaking whisperer,
- 5) Who whispereth in the hearts of mankind,
- 6) Of the jinn and of mankind.

ترجمه عبدالله یوسف علی:

- 1) Say: I seek refuge with the Lord and Cherisher of Mankind,
- 2) The King (or Ruler) of Mankind
- 3) The god (or judge) of Mankind
- 4) From the mischief of the Whisperer (of Evil), who withdraws (after his whisper),-
- 5) (The same) who whispers into the hearts of Mankind,
Among Jinns and among men.

ترجمه حبیب شاکر:

- 1) Say: I seek refuge in the Lord of men,
- 2) The King of men,
- 3) The god of men,
- 4) From the evil of the whisperings of the slinking (Shaitan),
- 5) Who whispers into the hearts of men,
From among the jinn and the men.

تحلیل سوره ناس

نکات کلی

- استفاده از علامت «"»: «"» بعد از کلمه "Say" در ترجمه مناسب‌تر می‌باشد را که نقل قول مستقیم است و در مقایسه استفاده از ویرگول در ترجمه اول بهتر بوده و با متن سوره همخوانی دارد.

- کلمه "Mankind" در زبان انگلیسی کلمه‌ای است که در متون علمی به کار می‌رود و معنای واقعی آن "گونه انسان" می‌باشد، اما کلمه "Men" هم بار معنایی ادبی دارد و هم در متون مذهبی همچون انجیل استفاده شده است. بنابراین کاربرد این کلمه به عنوان معادلی برای "الناس" مناسب‌تر می‌باشد.

- در ترجمه پیکتال و حبیب شاکر کلمه "Refuge In" استفاده شده و در ترجمه یوسف علی از کلمه "Refuge With" که در این مورد باید گفت استفاده از حرف اضافه "With" در دستور زبان انگلیسی به معنای هم وزن و برابر بودن می‌باشد در حالی که حرف اضافه "In" به معنای در چیزی فرو رفتن و غرق شدن بوده که با این توضیح باید گفت که استفاده از "Refuge In" در ترجمه آیه اول سوره ناس بهتر می‌باشد.

- کلمات "Withdraw" و "Mischief" از لحاظ معنایی بار مذهبی ضعیفی دارند و استفاده از کلمات "Sneaking" و "Slink" برای کلمه "الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ" مفهوم را بهتر بیان می‌کند.

کاربرد استراتژی‌های ترجمه نیومارک

- در آیه اول "قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ" در ترجمه یوسف علی کلمه "Cherisher" به ترجمه اضافه شده است بنابراین در این ترجمه از استراتژی "Expansion" (افزایش) استفاده شده است.

- در آیه دوم "مَلِكِ النَّاسِ" در ترجمه یوسف علی در کنار کلمه "King" از کلمه "Ruler" نیز استفاده شده است و از آنجایی که این کلمه در داخل پرانتز آورده شده و می‌تواند جایگزین کلمه "King" باشد، می‌توان گفت در اینجا استراتژی "Addition" (پادداشت) استفاده شده است. این استراتژی همچنین در آیه سوم "إِلَهِ النَّاسِ" زمانی که یوسف علی از کلمه "Judge" در داخل پرانتز به عنوان جایگزین کلمه "God" استفاده کرده، نیز به کار رفته است. استفاده از کلمه و عبارت "Of Evil" و "After His Whisper" درون پرانتز در آیه چهارم "مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ"، توسط یوسف علی بیانگر استفاده مکرر وی از این استراتژی (Addition) می‌باشد.

- در آیه آخر "مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ" در ترجمه یوسف علی اینگونه نوشته شده است "Among Jinns And Among Men" در ترجمه کلمه "الْجِنَّةِ" از استراتژی "Cultural Equivalent" (یا معادل فرهنگی) استفاده شده است چون این کلمه مفرد است ولی در ترجمه از کلمه "Jinns" استفاده شده و این کلمه جمع می‌باشد. همچنین می‌توان گفت به خاطر تغییر در نگرش، از مفرد به جمع، از استراتژی "Modulation" (یا مدولاسیون) نیز استفاده شده است و استفاده همزمان از دو استراتژی یعنی استفاده از استراتژی "ترکیب" یا "Couplet".

- در برگردان آیه "مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ"، "The Evil Of The Whispering Of The Slinking(Shaitan)" در ترجمه حبیب شاکر از استراتژی‌های مدولاسیون و معادل فرهنگی استفاده شده است.

تحلیل سوره توحید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝﴾

ترجمه پیکتال:

- 1) Say: He is Allah, the One
 - 2) Allah, the eternally besought of all!
 - 3) He begetteth not nor was begotten.
 - 4) And there is none comparable unto Him.
- Say: He is Allah, the One and Only

ترجمه یوسف علی:

Allah, the Eternal, Absolute;
He begetteth not, nor is He begotten;
And there is none like unto Him.
Say: He, Allah, is One

ترجمه حبیب شاکر:

Allah is He on Whom all depend.
He begets not, nor is He begotten.
And none is like Him.

نکات کلی

- کلمه "الله" در هر سه سوره و در هر سه ترجمه "Allah" ترجمه شده است. اگر به جای کلمه "Allah" از "God" استفاده شود تأثیرگذارتر تر خواهد بود چراکه درک معنای کلمه "God" که دقیقاً همان خداوند یکتاست برای مردم انگلیسی زبان راحت‌تر می‌باشد.

- باید گفت که در ترجمه پیکتال و حبیب شاکر استفاده از کلمه "One" به تنهایی ممکن است باعث برداشت اشتباه شود چراکه اینجا یگانه بودن خداوند مد نظر می‌باشد و کلمه "One" در انگلیسی به معنای منجی نیز می‌باشد. پس ترجمه یوسف علی که بلافاصله از کلمه "Only" بعد از "One" استفاده کرده مفهوم مورد نظر را بهتر انتقال می‌دهد.

- تنها در ترجمه حبیب شاکر معنی آیه دوم "الله الصَّمَد" "He On Whom All Depend" به درستی ترجمه شده است و در دو ترجمه دیگر انتقال معنا به درستی انجام نشده است.

- در ترجمه یوسف علی و پیکتال استفاده از صورت قدیمی کلمه "Begetteh" و "Begotten" در انتقال معنای سبکی "Stylistic Meaning" در مقایسه با ترجمه حبیب شاکر مؤثرتر می‌باشد.

- ساختار استفاده شده "None" و "Unto" در برگردان آیه آخر در ترجمه پیکتال و یوسف علی به خاطر ساختار دستوری قدیمی در انتقال معنا نسبت به دو ترجمه دیگر موفق تر بوده است.

کاربرد استراتژی‌های نیومارک

- در برگردان آیه اول "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" در ترجمه یوسف علی "Say: Allah, The One And Only" کلمه "Allah" بدون تغییر آورده شده است که می‌توان آن را هم استراتژی "Transference" (انتقال) و هم "Cultural Equivalent" (معادل فرهنگی) در نظر گرفت.

- در ترجمه آیه اول "قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ" در ترجمه یوسف علی "Say: Allah, The One And Only" به دلیل استفاده از کلمه "Only" در واقع نوعی توضیح به ترجمه اضافه شده که استراتژی "Expansion" (افزایش) می‌باشد.

- در برگردان آیه دوم "الله الصَّمَد" در ترجمه حبیب شاکر به دلیل استفاده از ضمیر "He" از استراتژی "Expansion" (افزایش) نیز استفاده شده است.

- زمان آیه چهارم "و لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ" زمان ماضی نقلی است یعنی کاری که در گذشته شروع شده و همچنان ادامه دارد در صورتی که در ترجمه حبیب شاکر از زمان مضارع ساده برای قسمت اول آیه استفاده شده است؛ بنابراین استراتژی بکاررفته در ترجمه "Modulation" یا "Structural Adjustment" (مدولاسیون یا تطابق ساختاری) می‌باشد.

تحلیل سوره فلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾﴾

ترجمه پیکتال:

- 1) Say: I seek refuge in the Lord of the Daybreak
- 2) From the evil of that which He created;
- 3) From the evil of the darkness when it is intense,
- 4) And from the evil of malignant witchcraft,
- 5) And from the evil of the envier when he envieth.

ترجمه یوسف علی:

- 1) Say: I seek refuge with the Lord of the Dawn
- 2) From the mischief of created things;
- 3) From the mischief of Darkness as it overspreads;
- 4) From the mischief of those who practice secret arts;
- 5) And from the mischief of the envious one as he practices envy.

ترجمه حبیب شاکر:

- 1) Say: I seek refuge in the Lord of the dawn
- 2) From the evil of what He has created,
- 3) And from the evil of the utterly dark night when it comes,
- 4) And from the evil of those who blow on knots,
- 5) And from the evil of the envious when he envies.

نکات کلی

- بهترین گزینه برای انتخاب نام این سوره ترجمه فلق در این سوره کلمه "Dawn" می‌باشد که هم به درستی معنای کلمه "فلق" را منتقل کرده و هم بار معنایی مذهبی و ادبی دارد. و در ترجمه یوسف علی و حبیب شاکر از این کلمه استفاده شده است.

- استفاده از حرف اضافه "In" به جای "With" در فعل "Refuge" مناسب‌تر است چراکه حرف اضافه "In" به معنای غرق شدن در چیزی می‌باشد در صورتی که "With" برابری را نشان می‌دهد. به بیان دیگر "Refuge In" به معنی "در پناه خداوند غرق شدن" و "در پناه خداوند مأوا جستن" می‌باشد.

- همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد استفاده از کلمه "Dawn" در ترجمه آیات نیز بر کلماتی همچون "Daybreak" که بار معنایی عاطفی و سبکی کم‌تری دارد ارجحیت دارد.

- کلمه "Evil" به نسبت کلمه "Mischief" از لحاظ معنایی بسیار نزدیک‌تر به متن اصلی می‌باشد.

- استفاده از "Th" در انتخاب کلمه "Envieth" در برگردان آیه آخر در ترجمه پیکتال باعث ایجاد صورت قدیمی کلمه می‌باشد و این نوع کلمات در کتاب انجیل نیز مکرراً استفاده شده است. بنابراین استفاده از آن در ترجمه قرآن نیز باعث نشان دادن وجه مذهبی و ادبی قرآن نیز می‌شود.

- برگردان آیه چهارم "من الشرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ" به دلیل بعد فرهنگی و قدیمی آن کار سختی می‌باشد، استفاده از کلمه "Mischief" از لحاظ معنایی مناسب نیست و کلمه "Evil" در ترجمه پیکتال و یوسف علی مناسب‌تر می‌باشد. اگرچه در هر سه ترجمه کل معنا انتقال پیدا نکرده است.

- در ترجمه کلمه "النَّفَّاثَاتِ" استفاده از کلمه "Witches" بسیار مناسب‌تر کلمه "Evil" می‌باشد و مفهوم را کامل‌تر بیان می‌کند.

کاربرد استراتژی‌های نیومارک

- با توجه به عبارت "From The Mischief Of Those Who Practice Secret Are" در برگردان یوسف علی آیه چهارم "من الشرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ" کاملاً مشهود است که کلمه "النَّفَّاثَاتِ" ترجمه نشده و از ضمیر "Those" به معنای "آنها" استفاده شده است. پس استراتژی بکاررفته در این ترجمه "Modulation" (مدولاسیون) می‌باشد.

- عبارت "Practice Secret Are" معنای درستی از این آیه ارائه نمی‌دهد و به تفسیر آن می‌پردازد نه ترجمه آن. بنابراین استراتژی "Expansion" (افزایش) در این مورد به کار گرفته شده است.

- در برگردان آخرین آیه "و من شرّ حاسد اذا حسد" در ترجمه یوسف علی "From The Mischief Of The Envious One As He Practices Envy" نیز از استراتژی افزایش استفاده شده است.

- آیه دوم "من شرّ ما خلق" از لحاظ دستوری جمله مجهول است اما در ترجمه پیکتال جمله به صورت معلوم ترجمه شده است "From The Evil Of What He Has Created". در اینجا نیز استراتژی "مدولاسیون" استفاده شده است. همچنین کلمه "He" برای توضیح بیش‌تر در ترجمه آورده شده است که خود بیانگر وجود استراتژی "افزایش" در این ترجمه می‌باشد.

- در ترجمه حبیب شاکر، آیه "من شرّ ما خلق" همانند ترجمه یوسف علی بوده و از استراتژی "افزایش" استفاده شده است.

- در برگردان آیه سوم "ومن شرّ غاسق اذا وقب" در ترجمه حبیب شاکر "From The Utterly Dark Night When It Comes" به دلیل استفاده از کلمه "Utterly" که نوعی توضیح اضافه به شمار می‌آید می‌توان گفت در اینجا نیز از "افزایش" استفاده شده است.

- در آیه چهارم ترجمه حبیب شاکر "و من شر النفاثات فی العقد" "And From The Evil Of Those Who Blow On Knots" نیز از استراتژی "مدولاسیون" استفاده شده است.

نتیجه بحث

ترجمه قرآن کاری بی‌نهایت سخت و ظریف می‌باشد و ترجمه کامل قرآن همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد ممکن نمی‌شود. بنابراین نسخه‌های ترجمه شده قرآن را نباید جایگزین متن اصلی دانست. به بیان دیگر ترجمه تنها ابزاری برای درک بهتر قرآن می‌باشد نه بیش‌تر. هر نسخه ترجمه‌شده درک مترجم آن را به نمایش می‌گذارد و این درک در هر مترجم متفاوت می‌باشد ولی هیچ‌کدام از این ترجمه‌ها با نسخه زبان اصلی قرآن برابری نمی‌کند. همان‌طور که گفته شد هر نسخه ترجمه‌شده با نسخه دیگر متفاوت است، پس درست نیست که یک نسخه را به عنوان کامل‌ترین نسخه مورد توجه

و پذیرش قرار داد چراکه هر کدام از این نسخه‌های ترجمه‌شده دارای معایب و محاسن خود بوده و دارای نکات مثبت و منفی می‌باشند. در نتیجه هیچ‌کدام از ترجمه‌های مورد بحث در این تحقیق کامل نیستند و تنها هدف محقق ارزیابی کاربردی استراتژی‌های نیومارک در ترجمه‌های قرآن بوده است. تجزیه و تحلیل سه سوره انتخابی (ناس، توحید و فلق) بیانگر این مهم است که از میان تمامی استراتژی‌های ذکرشده، هفت استراتژی پرکاربردتر و موفق‌تر از باقی استراتژی‌ها بوده است. این استراتژی‌ها به ترتیب عبارت‌اند از مدولاسیون، انتقال، افزایش و کاهش (حذف)، یادداشت و پانویس، معادل فرهنگی، معادل توصیفی، و ترکیب.



کتابنامه

کتاب انگلیسی

- Abdul-Raof, H. (2001). Quran Translation. Richmond Surrey: Curzon Press.
Manafi Anari, S. (2005). An Approach to English Translation of Islamic Texts. (6th ed). Tehran: SAMT.
Munday, J. (2001). Introducing Translation Studies, Theories and Application. London and New York: Routledge.
Newmark, P. (1981). A Textbook of Translation. New York and London: prentice. Hall
Newmark, P. (1988). Approaches to Translation. London: Prentice Hall International.
Nida, E. A & C. A. Taber. (1969). Theory & Practice of Translation. Netherlands.
Yuksel, Yuksel et al. (2007). Quran: A Reformist Translation. USA: Brainbow Press.

کتاب فارسی

- انوشیروانی، علیرضا. ۱۳۸۲ش، «ترجمه انگلیسی قرآن کریم»، مجله مطالعات ترجمه، شماره ۲.

Bibliography

- Abdul-Raof, H. (2001). Quran Translation. Richmond Surrey: Curzon Press.
Manafi Anari, S. (2005). An Approach to English Translation of Islamic Texts. (6th ed). Tehran: SAMT.
Munday, J. (2001). Introducing Translation Studies, Theories and Application. London and New York: Routledge.
Newmark, P. (1981). A Textbook of Translation. New York and London: prentice. Hall
Newmark, P. (1988). Approaches to Translation. London: Prentice Hall International.
Nida, E. A & C. A. Taber. (1969). Theory & Practice of Translation. Netherlands.
Yuksel, Yuksel et al. (2007). Quran: A Reformist Translation. USA: Brainbow Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی